

حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در منزل زنده یاد حبیب الله صادقی



محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی چهارشنبه شب با حضور در منزل زنده یاد حبیب الله صادقی ضمن ابراز همدردی با خانواده استاد صادقی، فقدان این هنرمند را برای جامعه فرهنگی و هنری بسیار خوار دست و پا اشاره به مهارت بی نظیر این هنرمند فقید در خلق آثار در سطح هنر مکتبگرا گفت: «استاد انقلاب گنجینه‌ای از آثار هنر انقلاب را از خود به جای گذاشت که بدون تردید در حافظه تاریخی این مرز و بوم هم نامش و هم آثارش ثبت و به یادگار خواهد ماند.» طبق گزارش اینستا، اسماعیلی در ادامه میهن دوستی و انقلابی بودن را از ویژگی‌های بارز این استاد فقید برشمرد و گفت: مرحوم صادقی تمام زندگی هنری خود را وقف خلق آثار درباره امام حسین (ع) و ائمه اطهار (ع) کرده بود و همواره در مسیر متعالی اسلام، انقلاب و اهل بیت (ع) ثابت قدم بود.

وی در ادامه با ذکر خاطره‌ای از همنشینی با استاد صادقی در چند وقت اخیر، به خلق اثر «در رثای سیمیرغ» ویژه تشییع سردار شهید حاج قاسم سلیمانی اشاره کرد و گفت: «استاد صادقی همواره تاکید داشت که این اثر حتما باید در حسینیه جماران رونمایی شود.» رئیس شورای هنر کشور همچنین به حضور مرحوم صادقی در بازدید چندوقت اخیر رئیس جمهور از نمایشگاه هنرهای تجسمی فجر انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: «در این بازدید، برای خلق اثری به وی پیشنهاد مبلغی برای حق الزحمه شد، اما استاد ضمن رد این پیشنهاد گفت، «اگر من دلی است و برای خلق اثر در وصف ائمه اطهار و خاندان پاک و مطهرشان هرگز پولی دریافت نمی‌کنم.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پایان از برپایی مراسم یادبود زنده یاد حاج حسین الدلی صادقی به همت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هفته آینده خبر داد.

آیدهای سهراب پورناظری برای جهانی شدن
«سی صد»



وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، در آخرین ساعات شامگاه چهارشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۱ به تماشای کنسرت نمایش «سی صد» در مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد نشست. طبق گزارش میراث آریا، عزت‌الله ضرامی پس از تماشای این تئاتر با اشاره به مهخواری پایانی «ای ایران» توسط مردم اظهار کرد: مخاطبان این کنسرت نمایش - که از هر طبقه‌ای هستند - نسبت به آن، یک ارزش گذاری واحد دارند، بنابراین حتماً آنهایی که مخالف ملت ایران و زبان فارسی هستند، نمی‌توانند این وضوح را ببینند. ضرامی از کارگردانی میر جعفر جیدی و نوای او در فیلم سینمایی «زور صفر» تمجید کرد و درباره سرچشمه تئاتری جواد عزتی پرسید که عزتی گفت از ۲۰ سالگی تئاتر کار کرده و چندین دوره در جشنواره تئاتر فجر حضور داشته است. وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی همچنین پیشنهاد کرد متاسب با شهرهای هدف و اقوام مختلف سی صد به‌صورت سالانه تکرار شود. در این دیدار اسرار پورناظری از ایده‌هایی برای جهانی شدن «سی صد» گفت. خواننده و نوازنده سی صد گفت: «ایده‌هایی برای جهانی شدن این پروژه داریم و می‌توانیم در حوزه تمدنی و سپس جهان، توجه به زبان فارسی را با هنر پیش ببریم». پورناظری درباره چگونگی شکل‌گیری این پروژه گفت: «پس از کنسرت نمایش سی صد با موضوع داستان‌ها شاهنامه، منوجه شوم که مردم زبان فارسی اشتراک دارند و سرای ماجرای کتاب‌های مغولان در سی صد رفتیم». طبق گفته محمدحسین تونونچیان، تهیه‌کننده کنسرت نمایش سی صد تاکنون ۱۱۲ هزار مخاطب داشته است. او گفت: «در یکی از اجراهای اخیر، به‌صورت رایگان میزان ۳۰۰ نفر از کادر درمان بودیم و برای این اجرا، هیچ یک از هنرمندان ما دستمزد نگرفتند و پلی کاری کردند».

تغییر حالی در مخاطب ایجاد کند. فیلم‌هایی که بر مبنای دیالوگ است باید بتواند با یک جمله برای لحظه‌ای هم که شده شما را از جهانی که فکر می‌کنید در آن گیر کرده‌اید جدا کند. این اتفاق نیاز دارد به اینکه هم آهنگ و صدا درست باشد و هم پاساژهای حسی.

■ بازی کم و انگش شما به نقش کمک کرده و باعث شده احمد باهوش تر جلوه کند. این کنترل از طرف حجت قاسم زاده اصل بود یا حاصل برداشت شما از شخصیت؟

بعد از هر قرارداد معمولاً تمام ذهن روی نقش متمركز می شود و چون زندگی بسیار خاطراتی دارد - هم نسبت به انسان ها معمول اطراف هم چه برسد به بازیگرها اینجا - سینما - درگیر چالش با نقش می شوم، با کارگردان گپ می زنم و بحث می کنم تا نقش شکل بگیرد. معمولاً هم سر پروژه ها می ایستم و می روم که برای کلید خوردن یکی، دو ماهی فرصت دارم مگر اینکه کارگردان خیلی قهار باشد و بتواند به اعتماد کنم. حجت خیلی مسلط بود و من تقریباً کاری نکردم. روی جزئیات پیش از هر کس دقت داشت به عنوان مثال در صحنه ای که احمد از زندان بیرون می آید کمی خمیده است در حالی که تصور من این بود چون قهرمان قصه است باید صاف راه برود، خوب خوشبینانه ایم و دوست داریم در قالب قهرمان صاف راه برویم. جایی نقد کردم که حواسمان نبوده و این راه رفتن درست نیست. گفت من قاصدم، صاف می آیم آدم این زمان زانها بوده و نباید اینقدر کورس و صاف از زندان بیرون بیاید. او کاملاً بر کار مسلط است و چون خلق می کند خیلی از کارش لذت می برد. قیافه حجت را باید سر بیول ببینید. شادی و شغف می دارد نه به خاطر این است نه به خاطر اکران و نه به خاطر جایزه فقط به این خاطر است که توانسته چیزی که در تصورش بوده را به واقعیت دریاورد. برای من بازیگر، اینکه در همه سکانس ها حضور داشته باشد خیلی خسته کننده است حتی روز جمعه و تعطیلی هم ندارد یا وجود این، اینکه دوست داشته باشد باهم باهم صبح بروید سر آن کار باید یا دیوانه باشید یا لذت ببرید.

■ برخی از بازیگران شعر می‌گویند، مدل هستند، تبلیغ می‌کنند، فیلم می‌سازند و... برای شما فعالیت در حوزه‌های دیگر جقدر جذاب است؟

غیر از تبلیغات و هر چیزی که پیشنهاد شود، استقبال می‌کنم چون وقتی پیشنهادی به شما می‌شود یا چیزی می‌شوید که حداقل فکرش را برانیزد اما قبل از قبول کار بررسی می‌کنم که این کار برای چه اساسی پیشنهاد شده؛ صرفاً شهرت یا اینکه به واقع در من استعدادی برای این حوزه دیده‌اند، اصلاً غافل‌م هست یا نه. به غیر از تبلیغات پیشنهاد می‌دهم خواندن کتاب، شعر و... را بررسی می‌کنم ولی در نهایت به این نتیجه می‌رسم که در این حوزه‌ها آدم‌های متخصص و قویتر از من هستند و ما اگر به کار خودمان برسیم و آنها به کار خودشان در نهایت برای مخاطب تاثیرگذاری بیشتری خواهد داشت تا اینکه صرفاً بخواهیم چند عنوان دیگر مثل عکاس، مجسمه‌ساز، کارگردان و... را به مثل خودمان اضافه کنیم و تاثیرگذاری که باید را نداشته باشیم، درباره تبلیغات هم شرم نمی‌است که شش ماه تا یک سال از آن محصول استفاده کنیم اگر خودم راضی بودم تبلیغش می‌کنم. اغلب می‌خندند ولی خب حقیقت امر این است، چیزی را که خودم تضمین نمی‌کنم نمی‌توانم تبلیغ کنم.

■ **به بازآزمایشی دوری از بازیگری فرمی کنید؟**

بازیگری شغلی نیست که بازآزمایشی داشته باشد. بازآزمایشی در بازیگری وقتی اتفاق می افتد که شما دعای غییر از بازیگری داشته باشید؛ زمانی که تأثیرگذاری تان را از دست می دهید و ورای حفظ بتی که از خودتان ساختید در دوره های دیگر هم دخالت می کنید و چون نیت درستی نداشته باشید کنار می روید. امیدوارم تا روزی که خدا عمر می دهد بتوانم از بازیگری لذت ببرم چون حقیقتاً آدم اخلاق گرایی هستم و برابرم مهم است که اطرافیانم اذیت نشوند ولی خب در عین حال خیلی آدم مفید و مبادی دینی هم هستم. به اصلاً ناراحت نشوید، یعنی نه می توانم خودم را به خاطر اطرافیان سانسور کنم و نه می توانم از چیزی که آنها را ناراحت می کند رهاش در شوم. بازیگری کمک می کند جلوی دوربین آنچه فکر می کنم بشنم بدون اینکه دچار آن معذورت های اخلاقی شوم.

به هم حرکت می‌کردند نظر منتقد هم با مردم در یک راستا قرار می‌گرفت. چند سالی است که به دلایل مختلف نوعی سرخوردگی در جامعه فرهیخته‌های ایران به وجود آمده و احساس می‌شود سال‌ها طول می‌کشد تا آنچه به نظر نشان درست است به مرحله اجرا برسد. به نظر می‌رسد در دوره میان‌ماهی، این گروه از آدم‌ها کنار کشیده‌اند و دلشان نمی‌خواهد خودشان را درگیر کنند. یک دوره لفاظی است که از خود من مصطفی زحرفی تا تور عزیز، از ایدل‌ها و شعارهای روانی می‌زند تا اینکه در اعمالشان باشد. تأکید می‌کنم این نقد به خود من هم هست و بحث‌مان بقیه آدم‌ها نیست. معتمد اتفاقاً در این برهه بیش از نیاز زمانی به نقد درست منتقدان سیاسی می‌فازد؛ داریم به خود در دوره‌ای که پلفرم‌ها هم ذائقه مخاطب را تغییر داده‌اند و به سمت روزمرگی و در عین حال سرگرم‌سازی گروه سنی زیر ۲۰ سال کشانده‌اند؛ یعنی دغدغه‌هایی که در سیرال‌ها مطرح می‌شود دغدغه‌های جوانان کمتر از ۲۰ سال است؛ پلترنو و عشق و چیزهایی که به نظر می‌آید در دهه‌ای شکم‌سیری می‌آید. ما

آمدیم زندگی کنیم و قرار است همراهی در این زندگی پیدا کنیم حالا اینکه همه دغدغه سرپا له و قیام به پیدا کردن کل این همراه باشد یک جاذبه می‌باشد. می‌تواند یک کل سیمانی جهان موازی داشته باشد. این دغدغه و دغدغه می‌تواند یک کل عشق نباشد و... از سوی دیگر در فضای مجازی هم شاهد روزمرگی عجیبی در قشر مشهور جامعه هستیم و در هر حوزه‌ای کمبودهایشان را با آن‌ها نظیر بر می‌کنند. امروزه منتقدان به زبان دهن توده مردم از روزمرگی به چیز عطف کنند که نیاز به تعمق دارد. البته یک الگوی اشتباه هم دریا به برخی نقدها وجود دارد. برخی از دوستان انگار در دنیای دیگری زندگی می‌کنند و تصور می‌کنند که فیلم‌ها در فضایی شیبه صنعت سینمایی آمریکا تولید شده است، بدون توجه به اینکه این فیلم در ایران ساخته شده که شبیه هر کشوری قواعد و قوانین مشخصی دارد. برخی نقدها را که می‌خوانی این‌ها می‌مانی که نویسنده این مطلب اصلاً از خانه‌اش و لای کتاب جایش بیرون آمده و با دنیای واقعی مواجه شده است. بعضی نوشته‌ها به تکرار یکسری مؤلفه‌ها می‌باشد ثابت است بدون اینکه به دنیای فیلم توجه

کند. بعنوان مثال درباره «روز ششم» می‌گوید:
یک جمله حواوری‌ها ندارد، بدون تفکر به اینکه
فیلمساز خواسته جهان خودش را خلق کند،
می‌خواهد بگوید جهان این مدلی است، جهانی
که ما دوست داریم این شکلی است، رفیق‌ها این
شکلی اند، مرده‌ها بچیزورند...
■ احمد، افکار را بدوش و خلاق است که
جهان می‌تفاوتی باشد، عقاقلنه و اندیشه عمل
می‌کند... بیکی از روزگی‌های شما که به کمک
نقش آمده، استفاده از ظرفیت صدا در نریشن برای
شخصیت پردازی است. فیلمساز از همان ابتدا
رو این مؤلفه تأکید داشت و احتمالا از ملاک‌های
انتخاب شما بود؟
به اساس این فیلم و تمام کارهای آقای حاجت
قاسم زاده به دیالوگ‌های قوی‌اش مشهور است،
او فیلمنامه‌نویس خوبی است و کارگردان خوبی
هم باشد. دیالوگ‌ها با تن صدایی خاص قدرت
می‌یابد. در محاوره معمولاً جملات منظور از
می‌یاسند یعنی قریب نریشن جمله یا کلمه‌ای

نارام وقتی مردانه است بد می شود، زنانه هم باشد بد می شود. باید از منظر انسان به یک موضوع بپردازیم اما مشکل اینجاست که عموماً ما دغدغه اصلی را اها می کنند و جالبی را شروع می کنند. که اصلاً دغدغه شان نیست، اینکه به عنوان یک زن بطور یا مشکلات خان به برخورد می شود وقتی اجتماع می شود، جواب می دهد و نه احساسی شاید. ۱۰-۲۰ درصد بزرگراهی که طی سال به من پیشنهاد می شود حال و احوال زنان تنهاست نمی دانم چرا اینقدر این موضوع برایشان جذاب شده، پول آن سمت است یا جامعه نیاز دارد که واردی و تنگنای احساسی شود.

■ یاسمن در سفر به ایران به شناخت درستی از آن پرو و وطن و برپوتون را آموزش و عشق می رسد. ازنگارنی برخی اهالی سینماشناسی پیشنهادهای مذهبی و سیاسی، گفتند، در بار با گشت به وطن

چطور؟ نگرانی نداشتید در زمانه‌ای که خیلی‌ها
سودای مهاجرت دارند این دعوت به وطن و
ویشنی و ارائه تصاویری چشم‌نواز از کویر تا
خانه‌های قدیمی ایران در تضاد با فضای سرد
آلمان، واکنش ایجاد کند.

من نه موافق رفتن، من نه موافق اصرار به
بازگشت کسانی که مهاجرت کرده‌اند. برخی مواقع
شرایط زندگی وادار می‌شود بروید و است که
بروید. حتی انتخاب مطرح نیست. انتخاب برای
کسانی است که شرایط آبی دارند در حالی
که سر و شوش تا پول و شرایط در ارتباط نیست. من
دوست داشتم یک اتفاق در ذهن مخاطب میفتد و
نمی‌دانم حالا مخاطب چنین برداشتی دارد یا نه. نه
نگاه و سلیقه من این بود آن قبری که در حرم امام
(رضاع) است و پس از چند نسل به یاسمن رسیده
لیلیش این بوده که آنده خوشان را لایق آن
قبر نمی‌دانستند و دیگر تصمیم گرفته باشند
بعنوان ابرای برای نفر بعدی بگذارند. انسان وقتی
گذشتارش را مرور می‌کند همیشه با نقص مواجه
است آنها احساس می‌کردند لایق این قبر نیستند
و آن را به نفر بعدی می‌سپردند این امید اینکه
فرد لایق نباشد حال که به یاسمن رسیده بر
اساس فرهنگی که بزرگ شده باید متوجه می‌شد
که این قبر برای کسی است که لایق اش است و نه
صاحبش. خیلی روی این موضوع بحث داشتم
و خط قرمز می‌پای بود که بگویم این قبر مال
صاحبش نیست مال لایقش است.

■ دیگر فیلم روی پرده‌تان «روز ششم»؛ شبیه دیگر فیلم‌هایی که در سیمینا امروز ایران می‌بینیم، نیست. اساساً قدیمی ساختن در فضایی سرسوم سیمینا ایران امری سخت به نظر می‌رسد. اما این فیلم قواعد زان را رعایت کرده، پراز جزئیات است و روابط علت و معلولی در تمام اجزا نوشته شده است. روی جلدی قصه‌ استوار است و قهرمان داستان را کم‌هوش‌تر از مخاطب جلوه نمی‌دهد. در ایام جشنواره می‌توانم فیلم فجر که این فیلم از راهبانی به فهرست آثار سابقه‌دار ماند تعداد زیادی از منتقدان سیمینا می‌نامد؟ این فیلم دفاع کردند. در اکران هم این حمایت از سوسی آنها داده‌ام داشته‌ام اما خوام بدانم به نظر شما این نظرات می‌تواند تأثیری در جلب نگاه مخاطب داشته باشد و آنها را به سمت حال‌وهوایی متفاوت از جریان فعلی سینما جذب کند؟ از اهمیت نگاه مخاطب به جلد اکران فیلم گفتید. نظر منتقدان برایتان چه‌جک‌ها دارند؟

در دوره‌ای که جامعه و مسئولان تقریباً نزدیک

فکری می‌کنند. مسلماً برای من که شخصیتی مثل یوسف پیامبر را در کارنامه آرام‌ام دارم تصمیم‌گیری برای حضور در «نهنگ آبی» کار سختی است. در نهایت این رویه من است که تا قبل از انتخاب نقش کاری به کسی ندارم. من مردم، نه کارشناس و نه هیچ یک مسکن دیگر ام وقتی کار بیرون می‌آید نگاه به مردم است اگر خوش‌شان آمد بودم دلم قرص می‌شود که نقش را درست اجرا کردم اگر خوش‌شان نیامده بود پس لابد من اشتباه کرده‌ام، نمی‌توانم مدعی شوم که من درست دیدم و مردم اشتباه کردند.

■ از نقش علی در «سردن قبا» می‌پویند؛ نقشی که مسلمان‌ها کار دارند و ابهاماتی دارد که می‌توانست این نقش را الکن کند. جنس بازی شما ابهام‌ناش را شخصیتی دوست داشتنی و باور کردن کرده‌است.

برای اولین بار که فیلمنامه را خواندم به خاطر
 در محور بودن قصه موافقت نکردم. تا اینکه از
 دوستان سر صحنه تماس گرفتند و گفتند چون
 زمان فیلمبرداری بلند شده بازیگری که قرار بود
 نقش را بازی کند می خواهد برود و... اگر می شود
 یک بار دیگر فیلمنامه را مطالعه کنید. گفتیم
 فیلمنامه در محور است و سکانس های نقش
 پیشنهادی کوتاه، فرصتی برای شخصیت پردازی
 علی وجود ندارد. اصرار کردند دوباره فیلمنامه
 را بخوانم. راستش تا آن زمان فیلمنامه را تا انتها
 نخوانده بودم. نیمه شب مجبور شدم فیلمنامه را
 کامل بخوانم. متوجه شدم این شخصیت خادم
 حرام امام رضا (ع) است. با توجه به شرایط
 جامعه، در سینما نسبت به شخصیت های
 مذهبی و سیاسی گارد وجود دارد. من که اصلاً
 نقش سیاسی قبول نمی کنم اما نسبت به نقش
 مذهبی چنین گاردی ندارم. فکر کردم اگر کسی
 دیگری این نقش را بازی کند حتماً قوه خواهد کرد.
 چرا که تصور همه ما از آنها، آدم های اتوکشید
 است که مریاب کلام و رفتارشان هستند. از
 یکسو معتقد بودم باید رتالتر چنین نقش هایی
 را بازی کرد و از سوی دیگر بیستوسن به گروه در
 چنین موقعیتی را ادا می دینی به تمام عوامل
 می دانستم؛ از بهروز شعبانی و محمود بابایی
 تا خانم آهنگرانی و الهام کردا... بازیگری که
 به گروه اضافه می شد باید تازه داشت نه ورنه
 بازیگری با لکه مذهبی. من تجربه اش را در سوسف
 پیامبر داشتم و احساس می بود که حالا فرصت
 آن است که من دین ام را راستی به چنین نقشی
 ایفا کنم. یک جایی باید از نقش و تیم استفاده
 می کنید و یک جای باید بهره ببرید. فکر کردم
 اینجا جای درستی است که می توانم ادا می کنم
 کنم و کاراکتر مذهبی را خراب نکنم. خواستم از
 حالت پیکمیری نقش کم کنم و طوری آن را بازی
 کنم که کسی تا سکانس آخر نتواند حدس بزند
 که او خادم حرم است؛ عاشق شود، خشم ببرد،

گرفته‌کند و در عین حال خدمت هم کند. از جنس خود مردم باشد و قابل شناسایی نباشد.

زن محور بودن قصه، مگر برپایان ویژگی منفی موضوع می‌شود؟

جریانی است که چندی است شکل گرفته است. نگاهی به اسامی فیلم‌ها و سریال‌ها تا ۱۰ سال اخیر بیندازید از «کیمیا» و «شهرزاد» تا «جیران» و... و همه توسط مردها ساخته شده و داستان‌تellers زنان است. من موضعی نسبت به جنسیت

■ بازیگری جست‌وجوگر و تجربه‌گرا هستنید. اصراری برای بازی در نقش‌های مثبت ندارید و نقش‌های منفی از جمله «سارا و آیدا» و بازی در رخشان مقابل لیلا حاتمی در «نهنگ آبی» را تجربه کردید. گاهی از پروژه‌های مستقل و گاهی هم از پروژه‌های گران مثل «ملکه» که مورد توجه تماشاگران و منتقدان قرار گرفته، مؤلفه ترغیب نشده برای پذیرش یک نقش برای مصطفی زمانی چیست؟

در درجه اول فیلمنامه؛ فیلمنامه‌ای که قابل شنیده و رفته داشته باشد و برای مخاطب قاصد فهم و درک باشد، عذر آن، به نقش و البته دیالوگ‌ها نگاه می‌کنم. قصه‌هایی را که دیالوگ‌های محاوره‌ای دارند عموماً قبول نمی‌کنم. کلمه و دیالوگ برایم مهم است. کلامی که از دهان مخاطب بیرون می‌آید هم برای عاطفی و حسّی گوینده‌ای مهم‌رساند و هم مالکی برای سنجش میزان عقل و فهم اوست. در فیلم‌ها و سریال‌ها ما اغلب دیالوگ‌ها مال شخصیت نیست و بیشتر برای آن است که گرگ و ابهامی از قصه برطرف کند و به نوعی توضیح قصه است از شخصیت.

■ از سلوک شما در این حرفه به نظرمی رسد
ذوق زدگی برای دیده شدن ندارید. اهل حاشیه
نیستید و کمتر مصاحبه می‌کنید. پرهیز از نمایشگری
در رسانه‌ها باعث نمی‌شود که حتی بازی خوبتان
کمتر دیده شود؟

قطعا همین طور است. بخصوص که بیش از ۶۰ سال است فعالیت در شبکه‌های اجتماعی را هم به طور کامل قطع کرده‌ام. به هر حال باید تصمیم بگیرد که آیا خواهد اعتماد به خبرهای مردم را از خودتان بگیرد یا از هورا و فحش مردم. قاعدتا این هرپز به تجربه شما از نمایشگری، تبعیضاتی که دارد و حتی بر پیشنه‌دار کاری‌تان تأثیر می‌گذارد، چرا که فضای تبلیغاتی که برای سلب‌ریتی‌ها می‌سازد را از دست می‌دهید اما در عین حال خیلی از مشکلاتی که برای این جامعه سلب‌ریتی‌ها) پیش می‌آید را هم ندارم، مثل دخالت‌های عیبی و غریبی که باید در حوزه‌های مختلف داشته باشیم. من بنابر موقعیت شغلی‌ام می‌توانم مشهور باشم ولی این دلیل نمی‌شود که بسواد اظهارنظر در زمینه‌های مختلف داشته باشم. وقتی شما صاحب یک شبکه اجتماعی هستید و قدر نفری آن را دنبال می‌کنند این توقع به وجود می‌آید که درباره هر اتفاقی موضع بگیرید و نظر بدهید که طبیعتا شما در هر حوزه‌ای، صاحب‌نظر هستید و نظراتان کارشناسی نیست. اگر بخواهید نظر کارشناسی بدهید هم باید درباره آن اطلاعات کسب کنید و این اتفاق تمرکزتان را از بازیگری می‌گیرد. هر چقدر کمتر در جریان روزمرگی باشید بیشتر از فضای این حرفه لذت می‌برید.

■ **احمد در مونولوگی در «روز ششم» می‌گوید «کار سخت یک مردانه که بدونه جای درستی وابسته به زمانه، حال دایری رویکرد به نظر خودتان مصطفی زبانی است. برای این رویکرد به نظر خودتان می‌تونم بگویم جای درستی وابسته به زمانه، متأسفانه یا خوشبختانه طوری زندگی کردم که اعتماد به نفس ام را از اعمال خودم بگیرم اما شغل من نیازمند تأیید مردم است. قبل از انتخاب ویدام مردم چه می‌گفتند. تا قبل از انتخاب نقش اصلا بر اینم مهن نیست که دیگران چه**

پاسخ هادی حجازی فر به حواشی «مبارک»

فرهنگی/ کدام آدم عاقلی برندی را که ساخته و شناخته شده، حذف می کند؟» این عبارت بخشی از صحبت های هادی حجازی فرد در آکشن به وحشی و شائبه های حذف «مبارک» از جشنواره نمایش عروسکی است. در پاسخ به نگرانی هایی که در هفته گذشته نسبت به حذف این تصویر شناخته شده جهان عروسکی ایران مطرح شده است. پس از انتشار پوستر نوزدهمین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران و نبود تصویر مبارک بر عنوان این پوستر این رویداد بر برخی رسانه ها مطرح شد که دبیرخانه جشنواره تصمیم گرفته بعد از هجده نورام و تصویر «مبارک» را از پوستر فراوان حذف کند.

نگرانی شده، است؛ بحث حذف مبارک از جشنواره نمایش عروسکی بود، برخی بواسطه سفرم به تریزوی کرمان می گفتند قرار است (تکم...) آن عروسک گردن جابجایی کرمانی شود، اما کدام آدم عاقلی برندی را که ساخته و شناخته شده است، حذف می کند؟ همه این مسائل به این دلیل است که اطلاعات غلط می می شود، اما هر مسأله و هر سوالی برای شنایه وجود می آید اما مهربسید. این مسأله تا اندازه ای که حتی وقتی برای مذاکره به شهرداری رفته بودم درباره حذف مبارک می پرسیدند.»

حجازی فرد از بخشی از صحبت های خود با ذکر این نکته که هدف اصلی از بالا بردن سطح مطالبات خانواده عروسکی است، گفت: «این جایگاه، جایگاه حقوقی من است، قهرش را می دانم و هدفم کم نباشد؛ خانواده نمایش عروسکی است، طبعاً اشتباهاتی خواهیم داشت اما ما یک خانواده هستیم و قرار نیست هیچ نفعی به هیچ گروهی



برسد.» به گفته وی، تاکنون ۱۳۰ نمایش در این رویداد ثبت نام کرده اند و قرار است تالار قشقایی به اجرای نمایش عروسکی تعلق بگیرد.

مدالایوم خانه تئاتر به مرضیه برومند
در مجمع عمومی سالانه انجمن نمایشگران عروسی که چهارشنبه، ۵ مرداد در تالار استاد جلیل شهنواز خانه هنرمندان ایران برگزار شد از مرضیه برومند به پاس سال‌ها فعالیت در عرصه هنر نمایش‌های عروسی تقدیر به عمل آمد. در این بخش برنامه هماج‌دی کار، رئیس انجمن

نمایشگران عروسکی با تمام راهی قصه‌های تخیلی‌شان را به مردمعامل نشان می‌دهند، اما امروزه این قصه‌سازان را به بی‌برومند ادراک کرده، برهمه که در سال‌های گذشته به مدت سه دوره دبیری جشنواره نمایش عروسکی تهران مبارک را بر عهده داشته‌است، با اظهار خرسندی از انتخاب‌های حجازی به به‌عنوان دبیر دوره نوزدهم، گفت: «هادی حجازی را هنرمندی عملکردی است و این برای جشنواره خوب است.»

او از نمایشگران عروسکی درخواست کرد که با اجرای آثار با کیفیت در این جشنواره، به آن گرما و اعتبار ببخشند: «یک جشنواره با آثار خوب، قدرت می‌گیرد و بدون کارهای خوب، امکانات وجود جشنواره را از بین می‌گیرد.» او با اشاره به تلاش‌های هادی حجازی در فرای ارتقای بودجه جشنواره، افزود: «بودجه گرفتن بسیار سخت‌است و کار دشوار دبیر، این است که بودجه مصوب را دریافت کند و او این پس هر روز باید دنبال پول بدود.»

عزراوت گل را حادو دل کج

باید ایا و دولت و سدرش گل با می همیشه بهار برای مجالس

ترجمه بیتان را از رخ و پریشانی برانیم.

موسیقی حضرت فاطمه زهرا

شماره ثبت ۸۲۹ تاسیس ۱۳۸۸

دفتر مرکزی میدان نیاوران : ۰۲۸۴۳۷۱-۲

سفارش تاج گل ۰۲۰۱-۲۶۳۰۰ همراه ۰۲۸۴۳۷۱-۳۵۸۹۱۲

حسابه منیابان ۰۲۶۳۲۳۷۸۰۸ - سامان پیام کوتاه ۴۰۰۰۴۷۵

www.Fatemehzahra.org